

مشرق زمین و معنای تاریخ

بخش شرقشناسی دانشگاه رم در نخستین روزهای آذر اسال کنفرانسی بین‌المللی به نام «مشرق زمین و معنای تاریخ» ترتیب داد. مرا هم دعوت کردند که دربارهٔ تاریخ نگاری زبان فارسی و میان ایرانیان مقاله‌ای بخوانم.

* * *

جلسهٔ افتتاحی مجمع علمی کوتاه بود. دانشمندی که از سوی آکادمی لیتچی ریاست داشت چند دقیقه‌ای دربارهٔ اعتبار این گونهٔ مجامع و اهمیت خاص این همشینی صحبت کرد و رشتهٔ کلام را به دست خانم ب. اسکار چیا آمورتی - که عهده‌دار امور اجرایی این مجمع است - سپرد. ایشان هم دراز سخنی نکرد. پنج شش دقیقه پیش سخن نگفت. آنچه گفت در زمینهٔ مناسبت تشکیل این اجتماع و طرز تقسیم سخنرانیها و مناسبات آنها بود.

در نخستین جلسهٔ علمی که به خاور میانهٔ کهن اختصاص داشت چهار سخنرانی بود. دو تا به زبان ایتالیایی با عناوین:

- سفر در مشرق یا کشفیات باستانشناسی در خاور میانه برای پژوهشهای تاریخی و مقاصد اقتصادی (M. Liversani دانشمند ایتالیایی).

- تاریخ و تاریخ نگاری اقوام سامی (G. Garbini دانشمند ایتالیایی).

دو سخنرانی بعدی به زبان انگلیسی بود از دو دانشمند دانمارکی و امریکایی با عناوین:

- تفکرات غربیان و بازتاب شرقی با آن (M. T. Larsen از دانمارک).

- اثرات کتاب مقدس در تحقیقات خاورشناسی و خاور میانهٔ کهن. نفوذ تاریخ نگاری در مطالعات مربوط به کتاب مقدس (P. Machinist از دانشگاه هاروارد).

دومین جلسه دنبالهٔ جلسهٔ نخست بود. این بار چهار سخنرانی بر خوانده شد:

- باستانشناسی غربی و تاریخ حفريات باستانشناسی (H. Seeden خانمی باستانشناس از بیروت).

- مقام مصرشناسی در جریانهای تاریخ نگاری خاور میانهٔ کهن (S. Donadoni دانشمند ایتالیایی).

- تاریخ و تاریخ نگاری در فرهنگ سنتی حبشه (Y. Beyene دانشمند حبشی استاد دانشگاه ناپل).

- اروپا روبروی مشرق، مخالفت از روزگار ماقبل تاریخ یا استمرار فرهنگ (خانم F. Ippolit Oni Strika از ایتالیا).

سومین جلسه قلمرو ایرانی نام داشت و دو سخنرانی در آن گنجانیده شده بود.

- مسائل تاریخ نگاری ارمنیان (N. Garsoian از نیویورک). این زن فاضل از ارمنیهٔ فرانسه است که

به امریکا رفته و استاد دانشگاه می‌باشد و به ارمنی، فرانسه، انگلیسی و ترکی متکلم است.

- هویت ایرانی یک مبحث تاریخی (G. Gnoli ایرانشناس ایتالیایی).

چهارمین جلسه جهان اسلام نام داشت با دو سخنرانی.

- مطالعات اسلامی (Amoretti B. M. Scarcia خانم ایرانشناس استاد دانشگاه رم و همسر ج. اسکار چیا ایرانشناس برجسته)

- هنر و باستانشناسی در جهان اسلام (U. Scerrato دانشمند ایتالیایی).

- پنجمین جلسه بازدنباله جهان اسلام بود و خطابه‌های زیر خوانده شد:

- بعضی ملاحظات جدید درباره حضرت محمد (ص) و فجر اسلام (هشام جعیط استادی از تونس)

(تونس)

- تاریخ جهانی، تاریخ محلی، تاریخ ملی: نظریه و روش کنونی درباره تاریخ نگری اسلام (خانم

G. Calasso دانشمند ایتالیایی).

- تحولات تاریخ نگاری فارسی با توجه خاص به دوره قاجار (ایرج افشار).

- تاریخ اسطوره و دین: وضع آن در ترکیه (از ابراهیم اورتابلی استاد دانشکده علوم سیاسی

آنکارا)

در ششمین جلسه که مربوط به شبه قاره هندوستان بود این گفتارها خوانده شد:

- تاریخ ملی و تواریخ منطقه‌ای (د. روترموند دانشمندی از هایدبرگ آلمان).

- نظری به سهم سنت در راه تجدد طلبی در دوره استعماری هند (ک.ن. پانیکار استاد دانشگاه

جوهر لعل نهر و - دهلی)

- رضایت و مقاومت: عکس‌العمل مسلمانان هند شمالی نسبت به نخستین حکام استعماری

(مشیرالحسن استاد دانشگاه جامعه ملیه اسلامیة. دهلی)

- تاریخ نگاری و هویت ملی در پاکستان (D. Bredi دانشمند ایتالیایی).

- دوره و هویت عشیرتی هندوستان (F. Sciolpi دانشمند ایتالیایی).

- وحدت هند تاریخی و انقلاب ملی: ملاحظه تاریخ نگاری (V. Ferretti دانشمند ایتالیایی).

هفتمین جلسه درباره آسیای جنوب شرقی بود:

- تاریخ نگاری، تاریخ ملی و هویت ملی در اندونزی (S. Kartodirdjo استادی پیرمرد از جاکارتا)

- کنفوسیوس خواهی و هویت ملی در ویتنام (E. Colloti Pischel دانشمندی ایتالیایی).

هشتمین جلسه آسیای مرکزی نام داشت و این گفتارها شنیده شد:

- مغولان به تاریخ قدیم خود فکر می‌کنند (از I. de Rachewiltz استاد دانشگاه کنبرا - استرالیا)

- تصویر تاریخ در افغانستان (از G. Vercellin) از دانشگاه ونیز).

نهمین جلسه ادامه جلسه پیشین بود:

- گذشته باستانشناسی و وضع کنونی آن در آسیای میانه (از عصام‌الدین اف دانشمند از بک)

- تصویر تاریخ در میان بوداییان تبت (از E. de Rossi Fillbeck دانشمندی از ایتالیا).

- اسطوره آسیای مرکزی و افسانه‌ها و برخورد با زمانه کنونی (از S. Parlato)

در جلسه دهم شش سخنرانی درباره چین و در جلسه یازدهم که بنیاد ژاپون به تشکیل آن کمک

کرده بود پنج سخنرانی درباره ژاپون ایراد شد.

از چین دانشمند جوانی آمده بود به نام Liu Ying Sheng که متخصص تاریخ مغولستان است و

کمی فارسی می‌داند. در دانشگاه پکن درس خوانده و اکنون در دانشگاه نانجینگ است. نسل‌رهایی یافته

از انقلاب فرهنگی چین است. می‌گفت قرار شده است که گروهی با همکاری مظفر بختیار که حالا در

پکن است بخش تاریخ مغول جامع‌التواریخ را به انگلیسی و چینی ترجمه کنند. نظرش را درباره

ترجمه‌های روسی (دو تا) همان بخش پرسیدم. گفت در تشخیص نامهای مغولی اشتباههای زیادی شده

است و اسمها غالباً قابل اعتماد نیست. تا کسی مغولی نداند نمی‌تواند آن نامها را به درستی تشخیص بدهد

که چه صورتی داشته است.

رئیسان جلسه‌ها همواره از ایتالیاییها بودند ولی ایتالیاییهای معتر، کسانی که از ارکان شرقشناسی

ایتالیاند مانند روسی Rossi و Gabrielli و اسکارچیا.

جیوانا اسکارچیا چهل و چند سال پیش که برای تحصیل در تهران بود جوان بود و پرتوان و افسوس پس از دوازده سال دوری که او را دیدم عصابه دست دیدم. بیماری «آرتوز» او را عصابه دست کرده است و درد می آزاردش. جلسه‌ای که من صحبت می‌کردم ریاست جلسه با او بود. بیخ گوش من گفت هیچ می‌دانی که حالا چهل سال است با هم پیر شده‌ایم!

اسکارچیا استاد تاریخ و ادبیات ایران در دانشگاه و نیز بود و حالا چند سالی است که فقط به تدریس تاریخ مذاهب ایران و تصوف می‌پردازد. نوشته‌های او همه در موضوعهای جذاب و ابتکاری است. متن فارسی «صفت نامه» درویش محمدخان غازی» را سالها پیش با ترجمه ایتالیایی و تعلیقات مفصل چاپ کرد و شمار دیگر کارهایش که فهرست آنها در کتابشناسی ایتالیایی ایران آمد تا سال ۱۹۸۲ درست صدتاست.

همسر اسکارچیا خانم ب. اسکارچیا آمورتی استاد زبان و ادبیات و تاریخ ایران در دانشگاه رم است. برگذارکننده عمده کنفرانس کنونی بود. او که روزگار را با همسر خویش در راه ایرانشناسی به سر آورده هنوز شور جوانی او را به این گونه کارهایی که مستلزم دوندگی و پراکندگی است برمی‌انگیزد. هنوز سالی نگذشته است که یادنامه السندرو بوزانی به گردآوری و مباشرت او در دو جلد در سلسله انتشارات دانشگاه رم انتشار یافته است.

این را هم بنویسم که خانم آمورتی در آغاز کار دانشگاهی و پژوهش در زمینه ایرانشناسی گرایش به ادبیات معاصر داشت و نمونه‌هایی از اشعار نو را به ایتالیایی ترجمه کرده بود، ولی پس از چندی دست از آن رشته کشید و به تنوع در تاریخ و فرهنگ گذشته ایران روی آورد. امروز یکی از برکشیده‌ترین محققان ایتالیایی در رشته ایرانشناسی است.

حال که صحبت از یادنامه شد مناسب است مقاله‌هایی از آن را که مرتبط با فرهنگ ایران است به خوانندگان مجله بشناسانم.

مقالاتی که در دو جلد یادنامه بوزانی (۱۹۲۱-۱۹۸۸) چاپ شده در چهار رشته است: اسلام شناسی - تاریخ علوم - زبانشناسی - ادبیات در هفتاد و چهار مقاله. نام آن را «یادنامه» گذاشته‌اند و لوچیا روستاینو (L. Rostagno) با خانم اسکارچیا در چاپ کتاب همکاری کرده است. چون بوزانی به فرهنگهای اندونزی و مسلمانان هند و افریقا دل بستگی داشت چندین مقاله از آن میان به ادبیات و زبان آن سرزمینها مرتبط است. درین معرفی از مقاله‌هایی نام می‌بریم که با ایران پیوند دارد.

مقاله اول نوروژ در «آزانیاه» (افریقا) نام دارد. این مقاله به مناسبت مقاله‌ای است که بوزانی درباره نوروژ در ایران نوشته بود. کلمه نوروژ در سومالی و آزانیا به صورتهای نیروس، نوریس، نوریش تلفظ می‌شود. این مقاله نوشته R. Ajello است.

- | | |
|-------------------|--|
| J. Ch. Bürgel | حکمیات دو فیلسوف در دو مثنوی اول و آخر نظامی |
| G. Curatola | یادداشتی درباره گلیم |
| V. F. Piacentini | حدود مرزی هندوستان مستعمره انگلیس، سیستان و بلوچستان |
| K. S. Ann Lambton | تواریخ محلی ایران |
| P. Orsatti | قصه آدم در ترجمه‌ای فارسی از قرآن |
| A. Popovic | درویشان بالکان، شاذلیها |
| J. Bečka | تاریخ مدنی یهودیان بخارا |
| Živa Vesel | زمرد و زبرجد در نوشته‌های ایرانیان |
| F. Gernet | فرضی درباره نقوش ظروف سفیدی و ساسانی براساس مقاله قبلی |
| G. Bolognesi | مشکلی در واژه‌شناسی ایرانی (پرده - پرتک) |
| W. Eilers | گفتار مادر |

M. Bernardini	بهرام گور در روایات عبدالله هاتفی در منظومه هفت منظر
A. Destrée	پیل، ژنده پیل، پیل گردنکش، پیل مست، پیل دژم در شاهنامه
J. Giunashvili	درباره یک شعر رودکی: بوی جوی مولیان...
G. Lazard	چگونه رباعی را باید ترجمه کرد
B. Lewis	ترجمه چند شعر فارسی
R. Zipoli	حساس بودن ترجمه یک شعر حافظ

سالها پیش که زیولی از دانشجویی به تدریس در دانشگاه ونیز رسیده بود هیچ در اندیشه‌ام نمی‌گنجید که چنین زود به مدارج عالی علمی برسد. امروز از ایران‌شناسان شاخص در رشته ادبیات است. طرح‌های وسیعی را با وسایل کمپیوتری برای شناخت کلمات مورد استعمال شعرای قدیم و عصر صفوی پی‌ریزی کرده است که تاکنون نتیجه ده تا از آنها به چاپ رسیده است و به تدریج که به دستم رسیده است در مجله آینده معرفی شده است. دیشب که از راه محبت از ونیز تلفن می‌کرد و جوایزی حالم بود دست از پرسش برنداشت. پرسید چه کتابی یا تحقیقی درباره جوایز شاعرانه شده است. پاسخی درست نداشتم بگویم. هرچه از محاضرات و اخوانیات و اقتفا و تضمین گفتم همه را می‌دانست. گفت مراد نظیره گویی و تقلید نیست. می‌خواهم ببینم که شعرا چگونه مطلبی را به شعر می‌گفته‌اند. گفتم از بدایع الوقایع واصفی و جسته گریخته‌هایی در تذکره‌ها هست غافل مباش و به یاد باشد پاسخ کذائی عبدالرزاق اصفهانی به خاقانی شروانی. گفت همه را می‌دانم.

در ونیز رشته ایران‌شناسی اهمیت یافته است. پیش از این شاید اهمیت این رشته در ناپل بیش بود. درست نمی‌دانم. کانونهای ایران‌شناسی ایتالیا در رم و ناپل و ونیز است. در تورن هم درسی داده می‌شود. از میان ایران‌شناسان جوان که درین چندساله بالیده شده‌اند از سه تن یاد می‌کنم که فرصت دیدار و صحبت پیش آمد.

یکی میشل برناردینی (M. Bernardini) است. جوان است و خوش برخورد. به فارسی سخن می‌گوید و در آرزوست که بتواند سفری دیگر به ایران داشته باشد و چند ماهی بماند تا صحبت کردنش روانتر شود. به تاریخ ایران در روزگاران تیموریان و صفویان دلبستگی دارد. اومنتهای ادبی و شاعرانی را که در سروده‌هاشان نکته‌های تاریخی دیده می‌شود می‌شناسد. آنچه به قلم او دیدم این نوشته است:

- معرفی نسخه نفیس هندی منظومه‌های هاتفی (تیمورنامه، هفت منظر و لیلی و مجنون) خط محسن بن لطف‌الله سبزواری از سال ۹۶۷ با جلد سوخت طلاپوش نقشدار در مجله Bollettino d'Arte (سال ۱۹۸۹). چون نقشهای روی جلد آن زیباست تصویر یک طرفش را چاپ می‌کنیم. این نسخه در وایتیکان نگاه‌داری می‌شود.

- مقاله درباره ارتقیان (سلسله امرای ترکمن در دیار بکر) در جلد دوم دائرةالمعارف هنر دوره قرون وسطی (۱۹۹۱).

- مقاله درباره ارباب حرف و اصناف در ممالک اسلامی در همان دائرةالمعارف.

- جنبه‌های ادبی و فکری در پیوندهای میان تجمل پرستی و معماری در روزگار تیموریان.

- قصه بهرام گور در روایت هفت منظر سروده عبدالله هاتفی.

- تیمور و بایزید سلطان روم.

برناردینی بر کتابهای تازه ایران‌شناسی انتقاد هم می‌نویسد. از این گونه است:

- نقدی بر کتاب معماری روزگار تیموری در ایران و توران، تألیف لیزا گولومبک و دونالد ویلسن

(معرفی این کتاب در مجله آینده آمده است).

- نظری به فهرست نسخه‌های خطی فارسی موجود در کتابخانه‌های ایتالیا تألیف شایسته آ. پیه

موتسه (که هم معرفی آن در مجله آینده آمده است). پیه موتسه سمت استادی بر برناردینی داشته است.



CITTÀ DEL VATICANO, BIBLIOTECA APOSTOLICA VATICANA - MS. BARBERINI OR. 104
PARTICOLARE DELLA LEGATURA (METÀ DEL SECOLO XVI)

- معرفی و نقد یادکارهایی از ایران عصر صفوی و جاهای دیگری از شرق (۱۶۶۴-۱۶۷۸) که برگرفته شده است از نوشته‌های مقاله گونه‌ی دائرةالمعارفی درباره‌ی ایران اثر آنژدوسن ژوزف (یا ژرف لابروس طونوری) از مردم فرانسه که مدت چهارده سال در ایران و عثمانی بود (۱۶۶۴ تا ۱۶۷۸) و اواخر دوره‌ی پادشاهی شاه عباس دوم و روزگار شاه سلیمان را مخصوصاً درک کرده است. سن ژرف که عربی می‌دانست و در ایران فارسی یادگرفت کتابی فرهنگواره برای آموزش زبان فارسی تألیف کرده به نام *Gazophylacium Linguae Persasum* برای به دست دادن معادلهای فارسی کلمات لاتینی، ایتالیایی، فرانسوی که در سال ۱۶۸۴ به چاپ رسید. کارباستیانس بلژیکی ازین حیث با ارزش است که از کتابی کهنه سفرنامه‌ای خواندنی پرداخته و اوضاع و احوال ایران را از زبان سن ژرف به دور روایت (ترجمه متن فارسی و متن اروپائی) نقل کرده است. (آقای دکتر کریم مجتهدی درباره‌ی همین کتاب مقاله‌ای در مجله‌ی آینده سال ۱۱ نوشته‌اند).

جوان ایرانشناس دیگر خانمی است به نام پائولا اورساتی P. Orsatti. پژوهشهای او بیشتر در زمینه نسخه‌های خطی، سند شناسی و خط شناسی است. درین سالها این سه مقاله را نشر کرده و جستجوگری است که آینده‌ی روشنی را پیش روی دارد آن هم در رشته‌ای که مطلعان آن در اروپا زیاد نیستند. اکنون آقای ویتکام W. Witkam در هلند، فرانسیس ریشارد در فرانسه، خانم Y. Porter در فرانسه از برجستگان این رشته‌اند. البته نام آقای پیه مونتسه را که درین باره مقاله‌های متعدد و تجربه‌ی طولانی دارد نباید از یاد برد که استاد همین خانم اورساتی بوده است. باری از نوشته‌های خانم اورساتی آنچه دیدم اینهاست:

- لسان‌الشعرا و بیان‌الفضلا از فرهنگنامه‌ای فارسی هندوستان.
- قصه‌ی آدم در تفسیر سوراآبادی.

- روش و مشکلات شناخت پالتوگرافی نوشته‌های عربی.

دانشمند دیگری که سالی چند پیش ازین او را در ایران دیدم ج. ورجلین (G. Vercellin) است. او در دانشگاه و نیز تدریس تاریخ ایران و افغانستان را بر عهده دارد و اکنون دلبستگی پژوهش بیشتر به تاریخ معاصر افغانستان است. با او یادگوششهای چنگیز پهلوان در میان آمد و مشتاقانه خواستار آن شد که بتواند نوشته‌های پهلوان را بیابد و بخواند. در جلسه‌ی کنگره هم مقاله‌اش درباره‌ی هویت ملی و فرهنگی افغانستان بود.

یکی از جوانان اسلام شناس مارکوسالاتی M. Salati است، عربی دان و عربی خوان است و رساله‌ی محققانه‌ای درباره‌ی چند وقفنامه‌ی حلب از آن سالهای ۷۴۶ و ۸۱۰ و ۹۴۰ و ۱۰۵۸ و ۱۰۹۰ و ۱۰۱۷ و ۱۰۸۳ و ۱۰۶۴ را به چاپ و ترجمه رسانیده است. مشخصات آن نقل می‌شود که اگر صاحب همتی در ایران خواست درباره‌ی موقوفات سرزمینهای عربی شامات بر مشهد کربلا (بنابر ضبط بعضی از وقفنامه‌ها) تحقیق کند بدان دسترسی بیابد.

Documenti, giuridici Aleppini dei Secoli XIV- XVII in Materia di Waqf. Roma. Istituto per L'Oriente C. A. Nallino. 1991. 74p.

یکی از محققان رشته‌ی عربی که تحصیلات خود را با زبان فارسی آغاز کرد خانم Giovannra Calasso است. اکنون مدرس است و محقق و هنوز هم به زبان فارسی علاقه‌مندی نشان می‌دهد. یادگار روزگاری که بیشتر با فارسی انس داشت تحقیق مفصل او درباره‌ی خاورنامه‌ی ابن حسام خوشفی از شعرای بنام دوره‌ی تیموری است. رساله‌ی او که چنین نام دارد:

Un' "Epoca Musulmana" di Epoca Timuride: Il "Xāvar- Nāme di Ebn Hosām". Roma.

Accademia Nazionale dei Lincei. 1979. (Atti della Accademia Nazionale dei Lincei, Serie VIII, Volume XXIII, Fascicolo 5, pp. 383- 539).

درین تحقیق از خاورنامه که یک حماسهٔ دینی ایرانی است یاد و نسخه‌ای که در کتابخانهٔ دیوان هند (لندن) است معرفی و خلاصه‌ای از مضمون سراسر منظومه به ایتالیایی نقل شده و در ضمام رساله فهرست اشخاص مذکور در منظومه و معرفی هریک آمده است.

این محقق در کار خود تقریباً همه منابع ایرانی اعم از تواریخ ادبی و فهرستهای نسخه‌های خطی را دیده و به نظم و ترتیب اروپائی هر جا که استفاده‌ای برده نشانی از آن چه دیده داده است.

در ایتالیا خانمها به مطالعات خاوری علاقه‌مندی بسیار دارند و همین کنگره گوئی آن است که شیفتگی زنان کم از مردان نیست. با خانمی به نام Maria Vittoria Fontana آشنا شدم که مؤلف پژوهشی ابتکاری دربارهٔ بهرام گور و آزاده است.

La Leggenda di Bahrām Gur e Āzāda. Materiale per la storia di una tipologia figurative dalle origini al XIV secolo. Napoli. 1986. 151 p. T 46 Figs.

مطالب این کتاب هنری و تمدنی چنین است: فهرست و معرفی ۵۳ نقش صورت بهرام گور بر روی مهرهای ساسانی و آثار دوران اسلامی از قبیل نقشهای دیواری، ظروف فلزی (ایران و بین‌النهرین، اناتولی)، سفال با ذکر اینکه نقش بهرام در آن شی به چه وضعی تصویر شده است و آن نقش اکنون کجا نگهداری می‌شود و در چه پژوهشهایی از آن ذکر به میان آمده.

پیوست نخستین این تحقیق به شناساندن مهمترین مجالس میناتور نقش بهرام گور در بعضی از نسخه‌های خطی اختصاص دارد. (شاهنامه - خسته نظامی - سبعة امیر خسرو - منظومه‌های امیرعلی شیرنوائی).

موضوع دومین پیوست نقش بهرام گور در روزگاران صفوی تا پایان عصر قاجار است و تحلیلی از آنچه در منابع ایرانی (فارسی و عربی) هست به آن همراه شده است.

سومین پیوست ترجمهٔ ایتالیائی نوشته‌هایی از ابن قتیبه، ابن فقیه، فردوسی، ثعالی، مجمل‌التواریخ والقصص، نظامی، یاقوت، زکریای قزوینی، امیر خسرو، دمشقی، دمیری، امیر علیشیر نوائی، ابن ایاس است.

کتاب با کتابشناسی مفصل و عکس‌چهل و شش نقش بهرام که مؤلف در شرق و غرب یافته پایان می‌گیرد. چنین کنند بزرگان چو کرد باید کار.

این کتاب در سلسلهٔ انتشارات مؤسسهٔ شرقی دانشگاهی ناپل Istituto Universitario Orientale چاپ شده است.

* * *

تعداد انتشارات این رشته اکنون به سی و دو رسیده است و مناسب می‌بینم نام و مشخصات آنها را که دربارهٔ افغانستان و ایران است نقل کنم:

III M. Schinasi, -Afghanistan at the Begining of the Twentieth Century. 1979.
افغانستان در آغاز قرن بیستم

V J. Bečka. - Sadridain Ayni, Father of Modern Tajik Culture. 1980.
صدرالدین عینی پدر فرهنگ جدید تاجیک

VII G. Gnoli. - Zoroaster's Time and Homeland. 1980. زمان و سرزمین زردشت.

VIII A. V. Rossi- Iranian Lexical Elements in Brāhui 1979

عناصر لغوی فارسی در لهجهٔ براهویی

IX G. M. D'Erme.- Grammatica del Neopersiano. 1979. دستور زبان فارسی

X G. Gnoli and A.V. Rossi, (eds).- Iranica. 1979.

مجموعه چند مقاله در زمینه مطالعات ایرانی

- XVIII A.M. Piemontese. *Bibliografia italiana dell' Iran (1462- 1982)*. 2 vols. 1982.
 کتابشناسی ایران در زبان ایتالیایی
- XXIV M. V. Fontana
 پیش ازین معرفی شد
- XXXIII C. Salzman and I. G. Galaty (eds). *Nomads in a Changing World*. 1990.
- XXXVI *The Journals of Edward Stirling in Persia and Afghanistan 1828-1829*.
 Edited and with an introduction by Jonathan L. Lec. 1991.

این کتاب آخری سفرنامه ادوارد استرلینگ انگلیسی است که تاکنون به چاپ نرسیده بود و نسخه خطی آن در انجمن پادشاهی جغرافیای انگلیس محفوظ بوده است. قسمت ایران به شرح مسافرت از بندر بوشهر به کازرون و سپس شیراز و پس از آن تهران به سبزوار و مشهد و بالامرغاب است. متأسفانه شرح مربوط به سفر شیراز به اصفهان - تهران مفقود شده است. نمونه خصوصیت جهان علمی این است که انجمنی در ایتالیا خود را محق می‌داند که با پول مردم ایتالیا کتابی را که به زبان انگلیسی و نوشته یک عامل انگلیسی و مربوط به ایران است به چاپ برساند.

درین سفر از قدمای دانشمندان ایرانشناس ایتالیایی که می‌شناختم باگک، نیولی، ج. اسکارچیا، روسی، شراتو، ج.م. تجدید دیدار شد. اما در مه و فلیپانی رونکونی را ندیدم. درمه زبانشناس است و برای ایرانیان سرشناس.

فلیپانی رونکونی در کلام و تصوف اسلامی شهره ایتالیا و آفاق است و هموست که کتاب الام اسمعیلی را چاپ کرده است و تالیفات متعددی دارد. در آغاز جوانی حدود سال ۱۳۲۲ چندی در تهران بود و در دانشگاه تهران درس خواند و با زریاب و من محشور بود. چون از زریاب و من شنیده بود جمعه‌ها به کوه نوردی می‌رویم اظهار تمایل کرد یکی از جمعه‌ها با ما بیاید. اتفاقاً روزی که قصد آمدن کرد با منوچهر ستوده و مصطفی مقربی و علیقلی جوانشیر و احمد اقتداری و جمال شهیدی قصدمان آن بود که عصر پنج‌شنبه خود را به قهوه‌خانه‌ای نزدیک کردان (در راه قزوین) برسانیم تا صبح زود از آنجا به سوی کوه‌های اطراف فشنند و ولیان برویم. اواسط آذر بود و هوا بسیار سرد. قهوه‌خانه‌ای که ابتدای شب در آنجا بیتوته کردیم کیفیت بود و پر از دود و دم جز آن چون شوهرهای کامیونها در دل شب وارد می‌شدند و همه می‌کردند خواب بر ما حرام شده بود. در پی چاره جویی نیمه شب از قهوه‌خانه بیرون آمدیم هیچ مفری نبود و چاره‌ای جز این نیافتیم به بالای کامیونی که پر از کاه بود رفتیم و خود را برای حفظ از سرما تا کمر در کاه فرو بردیم و شولا‌های خود را بر سر کشیدیم تا مگر کمی به خواب برویم. فلیپانی رونکونی ایتالیایی هم ناچار به همین بیقیدی تن در داد و لابه‌لای بارگاه به جای بارگاه خوابید و یادگاری دلپذیر از سفر در ایران چهل سال پیش با خویش به ایتالیا برد. بعدها هر بار که او را چه در ایران، چه در ایتالیا دیدم به یاد این واقعه می‌افتاد و بازگو می‌کرد. این بار هم اگر تجدید دیدار اتفاق افتاده بود قطعاً به تعریف می‌پرداخت و می‌خندید. هرکجا هست خدا یا به سلامت دارش. مردی است دانشمند و در مسیحیت صاحب اعتبار.

ایتالیاییها در ایرانشناسی اگر از پیشگامان نبوده‌اند از برجستگان بوده‌اند. در قرن گذشته چند تن از آنها با اقران خویش گوی همترازی می‌زدند. از آنها که من در جوانی خود دیدم انریکو چرولی (البته ایرانشناس تمام عیار نبود ولی در شرقشناسی، مقامی والا داشت)، آلفونسو گابریلی، گک، مسینا (محقق زبان پهلوی) - اتوره روسی، السندرو بوزانی.

دنیای علم آگاهی از سابقه ایرانشناسی ایتالیا را مدیون آنجلو م. پیه مونتسه است. او اکنون رایزن فرهنگی ایتالیا است، ولی عمرش را در کارهای دانشگاهی و در رشته ایرانشناسی گذرانیده و دارای چندین کتاب اساسی و پنجاه شصت مقاله ممتاز و ابتکاری در آن زمینه است. کارهای عمده او اینهاست:

- شناختن و شناساندن شاهنامه خطی مورخ ۶۱۴ که قرنهایی در کتابخانه دیری بود و اکنون در کتابخانه ملی فلورنس است. این نسخه اکنون از پایه‌های چاپ علمی جلال خالقی مطلق است.
- تاریخ ادبیات ایران به زبان ایتالیایی در دو جلد.

- فهرست نسخه‌های خطی فارسی که در کتابخانه‌های مختلف ایتالیا نگاه‌داری می‌شود و معرفی آن در مجله آینده (شماره پیش) آمده است.

- کتابشناسی ایران در زبان ایتالیایی در دو جلد و قریب به هزار صفحه. درین کتابشناسی نام و مشخصات ۶۸۸۵ کتاب و مقاله آمده است. همین اثر بزرگ گواه کوششهای ایرانشناسی ایتالیاست و طبیعاً ما هم سپاسگزار زحمات سالهای دراز پیه مونته‌ایم که می‌توانیم به وسیله کتاب او بر کارهای ایتالیاییها در زمینه تاریخ و ادبیات خودمان دست بیابیم.

از نوشته‌های ابتکاری او که انگیزه من در نگارش مقاله تاریخچه عکاسی ایران شد مقاله‌ای است درباره نخستین عکسهایی از ایران که توسط یک عکاس ایتالیایی در اوایل اختراع دوربین عکاسی برداشته شده و یک نسخه آلبوم آن عکسها در یکی از گنجینه‌های ایتالیا موجود بوده است و نسخه دیگری از آن آلبوم که به ناصرالدین شاه تقدیم شده بود و در ریوتات سلطنتی ایران نگاه‌داری شده و هست.

سخن از پیه مونته ما را به نسخه شاهنامه فردوسی مورخ ۶۱۴ می‌کشد. نسخه‌ای که آوازه‌مند شد. و دو سه تنی هم درباره آن سخنهای مخالف گفتند و نوشتند. به همین ملاحظه آهنگ آن کردم درین سفر به فلورانس (فیرنزه در زبان ایتالیایی) بروم و نسخه را ببینم و دیده‌های خود را برای دوستداران نقل کنم. به لطف خانم اسکارچیا آمورتی راهی شدم. پیه مونته هم برایم سفارشنامه‌ای به کتابخانه نوشته بود که این گنج نامور را نشانم بدهند و تصور نشود که «تورستم». پیه مونته زمانی که این نسخه را در کتابخانه فلورانس جست فوراً مقاله‌ای مفصل در معرفی آن نوشت که در مجله Annali (ناپل) چاپ شد و بخشی کوتاه از آن در مجله آینده چند سال پیش به چاپ رسید. سبب اینکه پیه مونته از بودن این نسخه در فلورانس آگاه شد این بود که او سالها بود در همه کتابخانه‌های ایتالیا در پی یافتن و فهرست کردن نسخه‌های فارسی بود و با کنجکاوی توانست نه تنها این نسخه، بلکه دهها نسخه مهم دیگر را بشناساند. از آن زمره است منطق الطیر مصور مورخ ۸۵۷ که از نسخه‌های مصور کم نظیر است و شاید یگانه منطق الطیر مصور. همچنین است مجموعه‌ای از قرن هفتم هجری که در آن مقداری از اشعار فارسی امام فخر رازی (به زودی در نامواره دکتر محمود افشار به چاپ می‌رسد) و شمس‌الدین بیلقانی و شمس‌الدین جوزجانی و شهاب اطلسی مندرج است.

با کاروانی شوق به فلورانس رفتم که شاهنامه مورخ ۶۱۴ را زیارت کنم اما درینا بخش نسخه‌های خطی شرقی بسته بود. نسخه‌ها را در جعبه‌ها و صندوقها کرده بودند که مخزن را به منظور ایمنی سیم کشی تازه بکنند. گناه بخت من است این نگاه دریا نیست.

گنجینه حسین بشارت برای پژوهش در فرهنگ و تاریخ یزد

زیر نظر ایرج افشار

- ۱- تذکره شعراي یزد: از عباس فتوحی یزدی. ۱۳۶۶. وزیري. ۲۴۰ ص.
- ۲- واژه‌نامه یزدی: از ایرج افشار. ۱۳۶۹. رقمی. ۲۵۲ ص.
- ۳- تاریخ سالشماری یزد: از اکبر قلمسیاه. ۱۳۷۰. رقمی. ۳۵۶ ص.
- ۴- تذکره میکده: از محمدعلی واقف، به کوشش حسین مسرت. ۱۳۷۱. وزیري. ۳۵۱ ص.